

همبستگی کیفیت زندگی و بهره‌وری علمی اعضای

هیأت علمی*

حیدر جانعلی‌زاده چوب‌بستی^۱

سیف‌الله فرزانه^۲

علی اصغر غلامی^۳

چکیده:

این مطالعه به بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و بهره‌وری علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران مبادرت نموده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد شده کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت و محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران تشکیل دادند. برای انتخاب حجم نمونه از شیوه تمام شماری استفاده شده است. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از پیش آزمون و آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر همبستگی معنی‌دار بین کیفیت زندگی و بهره‌وری علمی اعضای هیأت علمی می‌باشد. این بدان معنی است که اساتیدی که از سطح کیفیت زندگی مطلوب تری برخوردار بوده‌اند، دارای میزان بهره‌وری علمی بالاتری نیز بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: کیفیت زندگی، بهره‌وری علمی اعضای هیأت علمی، دانشگاه مازندران.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۸

۱- گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران hjc@umz.ac.ir

۲- گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، بابل، ایران mfilib@yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد بابل، بابل، ایران asghar_gholami85@yahoo.com

۱-مقدمه

در عصر حاضر تولیدات علمی از ارکان ضروری برای توسعه همه جانبه محسوب شده و به همین جهت از مهمترین شاخص های تمایز بین کشورهای جهان تلقی می شود. بخش عمده ای از فرآیند تولید علم محصول فعالیت های دانشگاه و اعضای هیأت علمی به عنوان کنش‌گران اصلی آن می‌باشد. فعالیت علمی نظیر هر نوع فعالیت دیگری ممکن است با مجموعه ای از شرایط و عوامل در ارتباط باشد. از جمله وظایف و کارکردهای مطالعات علمی، کنکاش در خصوص روابط بین عوامل و شرایط اجتماعی و بهره‌وری علمی اندیشمندان است. در این راستا، تحقیق حاضر در جستجوی بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و بهره‌وری علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران می‌باشد.

۲- بیان مسأله

یکی از مهمترین منابع هر سازمانی، نیروی انسانی آن است و عوامل تشکیل دهنده‌ی این نیرو، افرادی هستند با نیازهای بی‌شماری که در صورت رفع نیازهایشان و داشتن انگیزه‌ی کافی، استعداد و مهارت خود را در خدمت سازمان به کار خواهند گرفت. موفقیت و پیشرفت دانشگاه نیز به نیروی انسانی آن بستگی دارد. اگر مسؤولان دانشگاه قادر به جذب و نگهداری نیروی انسانی شایسته و با انگیزه نباشند، دانشگاه در جهت انجام مسؤولیت‌ها و وظایف خطیر با مشکل مواجه می‌شود. دانشگاه یک نهاد حیاتی در فرایند توسعه‌ی هر ملتی است، نهادی که می‌تواند توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تسهیل نماید. نقش برجسته‌ی دانشگاه در دو فعالیت عمده آموزش و پژوهش نهفته است. آموزش و پژوهش در ویژگی اساسی است که در ماهیت دانشگاه معنا پیدا می‌کند (رحیمی و دیگران ۱۳۸۵: ۴۲).

عصر ما عصر پژوهش های علمی است و هیچ شک و تردیدی وجود ندارد که پژوهش‌های علمی ملاک برتری ملت‌ها و جوامع است. امروزه تولید علم از مهمترین شاخص تفاوت و تمایز بین کشورها تلقی می‌شود از طریق نشر و توسعه علم و دانش بشری است که توسعه هماهنگ و رضایت‌بخشی میسر و حاصل می‌شود (رازقی، ۱۳۷۵، ۷۵، ۲). امروزه توسعه‌یافتگی جوامع با رشد علم و تحقیقات در آنها پیوندهای استوار و غیرقابل انکار دارد جایی که علم منزلت دارد جامعه نیز توسعه یافته است و هر جا جامعه پیشرفته‌ای یافت شود علم هم لزوماً منزلت والایی دارد کنش متقابل بین این دو موضوع حیاتی بر بستری از اعتقادات به تفوق عقلانیت و تعمیم مسؤولیت انجام می‌شود و حاصل آن جان گرفتن و پویایی مطالعات و تحقیقات علمی است (صدیق، ۱۳۸۰: ۸۹).

اعضای هیأت علمی از مهمترین مؤلفه‌های نظام آموزش عالی و از اساسی‌ترین عناصر توسعه و پیشرفت هر کشوری به شمار می‌آیند. اعضای هیأت علمی حوزه‌های مختلف در هر کشور، هرچه بتوانند

خدمات خود را با کیفیت و کمیت بهتری ارائه دهند، توسعه و پیشرفت آن کشور شتاب بیشتری خواهد گرفت. یکی از پیامدها و محصولات عملکرد اعضای هیأت علمی تولید اطلاعات علمی است که به صورت منابع اطلاعاتی اعم از کتاب، مقاله، گزارش، استاندارد و ... ارائه می شود. به دلیل وجود چنین تولیدات و این گونه روند مصرفی در سطح جامعه علمی، شاخص باروری علمی در این حوزه معنا پیدا می کند. شاخص باروری علمی، یکی از انواع شاخص‌هایی است که در چند دهه اخیر برای سنجش فعالیت های علمی وضع و مورد توجه صاحب نظران علمی و سیاستگذاران علم واقع شده است. اهمیت شاخص یاد شده آنجاست که به کمک آن می توان وضعیت فعالیت های علمی را به زبان کمی بیان کرد و به اندازه گیری آن پرداخت و از این به تصویری عینی از فعالیت های علمی در حوزه ای در یک کشور دست یافت. باروری علمی بنا بر تعریف، عبارت است از تعداد منابع علمی اطلاع رسانی که هر فرد در طی سال و مجموع تعداد این منابع در یک حوزه خاص طی یک سال (مزینانی، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

یافته ها و تحقیقات نشان می دهند اعضای هیات علمی دانشگاهها دارای میزان بهره وری علمی متفاوتی هستند. در نگاه جامعه شناختی، وضعیت بهره وری علمی دانشگاهیان می تواند با شرایط و ویژگی های اجتماعی در رابطه باشد و تحت تأثیر شرایط و عوامل اجتماعی قرار گیرد. اگر چه در خصوص بررسی جامعه شناختی میزان فعالیت های علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران، مطالعاتی در سال های گذشته (شارع پور، خوشنفر ۱۳۸۱؛ صالحی و ابراهیمی ۱۳۷۸) انجام شده است. اما بعد از حدود ده سال از این تحقیقات، قابل استدلال است که مطالعات جامعه شناختی در این خصوص صورت گیرد. این مهم، می تواند به تراکم دانش جامعه شناختی کمک مؤثری بنماید، تغییرات احتمالی را نشان دهد و در راه سیاستگذاری برای تقویت شرایط اجتماعی مثبت و کاهش تأثیر عوامل منفی مفید واقع شود: مهمتر اینکه، بررسی پیشینه ی تحقیق و منابع قابل دسترس مطالعه ای پیرامون بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و وضعیت بهره وری علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران را نشان نمی دهد. بر اساس موارد مذکور و فواید بررسی این موضوع، این مطالعه سعی دارد ضمن بررسی وضعیت بهره وری علمی و کیفیت زندگی اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران به کنکاش در خصوص نوع رابطه ی بین کیفیت زندگی و میزان بهره وری علمی آنها پردازد (توصیف و تحلیل همبستگی).

۳- پیشینه ی تحقیق

- نورشاهی و سمیعی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی کیفیت زندگی کاری اعضای هیأت علمی دانشگاه های دولتی ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن» را مورد بررسی قرار دادند.

هدف این تحقیق، بررسی کیفیت زندگی کاری اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن می‌باشد. جامعه آماری آن را ۶۹۳ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها تشکیل دادند و از روش پیمایشی استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بر اساس میزان سه نوع فعالیت آموزشی، پژوهشی و خدمات علمی و اجرایی، کیفیت زندگی کاری اعضای هیأت علمی مورد بررسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. سطح بهره‌مندی هیأت علمی از فرصت‌های رشد و توسعه‌ی حرفه‌ای نیز در حد پایین و متوسط ارزیابی شد. میزان تعاملات، ارتباطات و فعالیت‌های مشارکتی در بین اعضای هیأت علمی توسط بیشترین درصد از پاسخگویان در حد متوسط ارزیابی شد. بنابراین نظر بیشتر پاسخگویان سوءرفتار و عدم رعایت اخلاق در فضای زندگی حرفه‌ای و فرهنگ سازمانی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر ابعاد کیفیت زندگی اعضای هیأت علمی شناسایی شدند.

- دهقان نیری (۱۳۸۸) تحقیقی به منظور بررسی ارتباط کیفیت زندگی کاری و بهره‌وری پرستاران بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام داد. یافته‌ها نشان داد از نظر ۴۱/۹٪ واحدهای مورد پژوهش کیفیت زندگی کاری آن‌ها در سطح متوسط قرار دارد تنها یک دهم آن‌ها کیفیت زندگی کاری خود را مطلوب گزارش نمودند. همچنین، همبستگی معناداری بین بهره‌وری و کیفیت زندگی کاری به دست آمد.

- تحقیقی توسط میرکمالی و نارنجی ثانی (۱۳۸۷) تحت عنوان بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف انجام شد. نتایج به دست آمده از این تحقیق گویای آن بود که استادان دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف از نظر کیفیت زندگی کاری در سطح نسبتاً نامطلوب و از نظر رضایت شغلی در سطح نسبتاً بالای قرار داشتند؛ بین مؤلفه‌های کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی رابطه مثبتی وجود داشت. بین میزان کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی استادان دانشگاه‌های مذکور تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و تنها از بعد یکپارچگی و انسجام اجتماعی که از ابعاد کیفیت زندگی کاری محسوب می‌شود تفاوت اندکی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، اعضای هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف از یکپارچگی و انسجام اجتماعی بالاتری نسبت به استادان دانشگاه تهران برخوردارند.

- یآوری و همکاران (۱۳۸۷) تحقیقی با هدف مقایسه کیفیت زندگی کاری (بر اساس مدل والتون) و خرده مقیاس‌های آن در بین اعضای هیأت علمی دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی تربیت بدنی دانشگاه‌های دولتی انجام دادند. نتایج نشان داد که میانگین کیفیت زندگی کاری در دانشکده‌های تربیت بدنی ۵۱/۷۸ درصد و در گروه‌های آموزشی برابر ۴۹/۴۶ درصد است. تفاوت معنی‌داری در کیفیت زندگی کاری بین دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی مستقل تربیت بدنی مشاهده نشد و تنها تفاوت معنی‌داری در

بعد توسعه قابلیت های انسانی مشاهده گردید. بین سن و سابقه تدریس اعضای هیأت علمی با کیفیت زندگی کاری و برخی از ابعاد آن رابطه معناداری وجود داشت. همچنین در بعد وابستگی اجتماعی بین زنان و مردان تفاوت، معنادار بود. در کل، کیفیت زندگی کاری اعضای هیات علمی تربیت بدنی در حد متوسطی بود و کیفیت زندگی کاری در دانشکده ها و گروه های آموزشی تربیت بدنی مشابه بود.

- ماکوان اکملی: پایان نامه کارشناسی ارشد خود را در رشته ی جامعه شناسی در سال ۱۳۸۷ در دانشگاه مازندران تحت عنوان ((عوامل اجتماعی موثر بر میزان همکاری اعضای هیأت علمی دانشگاه کردستان))، به انجام رسانده است. هدف این تحقیق، بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر میزان همکاری علمی اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان می باشد مبنای نظری این پژوهش برآمده از آرای نظریه پردازان جامعه شناسی علم، به ویژه نظریات « وارن هگستروم » و «رندل کالینز» است. جامعه آماری آن را ۱۶۰ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان در سال ۸۷-۸۶ تشکیل می دهند روش تحقیق پیمایشی است و داده ها با استفاده از روش های آماری، توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده اند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که اساتید دارای سرمایه فرهنگی و انرژی عاطفی بیشتر، از میزان همکاری علمی بیشتری برخوردارند. بین سابقه کاری اعضای هیأت علمی و همکاری علمی آن رابطه معکوس وجود دارد متغیر ارتباطات و تعاملات، همبستگی ضعیفی با همکاری علمی دارد.

- قانعی راد (۱۳۸۵) مقاله ای تحت عنوان تعاملات دانشجویان، انگیزش و کنشگران رشته ای به انجام پژوهشی در بین ۳۶۱ نفر از دانشجویان رشته های علوم اجتماعی پرداخته است. هدف از این بررسی، ارزیابی مناسبات و تعاملات دانشجویان در قلمروهای گوناگون از جمله در زمینه های اجتماعی و آموزشی بوده است. پنداشته های نظری این پژوهش برآمده از آرای نظریه پردازان جامعه شناسی علم است و بر اساس آنها تعاملات بین دانشجویان در ایجاد انگیزش و انرژی عاطفی و نیز یادگیری و موفقیت تحصیلی آنان تأثیرگذار است. یافته های این پژوهش، برخی از فرضیات تدوین شده را اثبات می کند. بر اساس این یافته ها دانشجویان با یکپارچگی اجتماعی بیشتر، یادگیری تعاملی بیشتری دارند. این دانشجویان انگیزش و انرژی عاطفی بیشتری دارند و از رشته تحصیلی و استادان خود راضی ترند. دانشجویان یکپارچه تر پیشرفت تحصیلی بیشتری دارند و از خود اثربخشی بالاتری برخوردارند. دستاورد اصلی پژوهش، فراهم ساختن زمینه های تجربی برای جلب توجه پژوهشگران و سیاستگذاران به اهمیت فضای ارتباطات دانشجویی در پیشرفت تحصیلی و گسترش احساس رضایت و اثربخشی در بین آنان است.

- بنگ کوفول (۲۰۰۷) در تحقیق خود به بررسی کیفیت زندگی کاری پرستاران حرفه ای در بیمارستان های خصوصی پرداخت. کیفیت زندگی کاری پرستاران در ابعاد یکپارچگی اجتماعی، عوامل محیطی، فضای کلی کاری و زندگی و رشد و امنیت در حد متوسط؛ در بعد ویژگی های شغل بالاتر از

متوسط؛ و در بعد حقوق و دستمزد منصفانه پایین تر از متوسط ارزیابی شد. همچنین بررسی همبستگی بین سابقه کار و کیفیت زندگی کاری حاکی از وجود رابطه معناداری بود.

- المیدا و همکارانش در سال ۲۰۰۹ مقاله‌ای پژوهشی تحت عنوان «شاخص‌ها و الگوهای علم در اروپا» انجام داده‌اند آنها در این تحقیق اظهار داشته‌اند دسترسی به پایگاه داده‌ای نقل و قول و کتاب‌شناسی در حال تغییر دادن مسیری است که بازده علمی در آن ارزیابی می‌گردد با این وجود فقدان درک از آنچه که می‌تواند از داده استخراج شود وجود دارد و سیاست علمی بر مبنای این اطلاعات برای طراحی کردن مشکل می‌باشد کاربرد شاخص‌های سنجش علمی در ارزیابی تحقیقات ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بعد از پیشنهاد گور فیلد از شاخص نقل و قولی علمی جهانی پدیدار شد و به طور وسیعی امروزه کاربرد دارد با توجه به دسترسی آسان به پایگاه داده مناسب وجود دارد موسسه‌های خصوصی و محققان اکنون براساس بازده علمی طبقه بندی شدند. این تحقیق برای کمک به درک بهتر اینکه چطور علم در اروپا سازماندهی شد انجام گرفت در این تحقیقی بازده علمی کشورهای مختلف در ۱۰ سال گذشته را تحلیل کردند هدف اصلی این تحقیق تعریف کردن شاخص‌هایی برای مشخص کردن ساختارهای علمی کشور بود. در این تحقیق ارزیابی بازده علمی از لحاظ کمی و کیفی مورد مطالعه قرار گرفت. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که جنبه‌های مرتبط با موقعیت جغرافیایی یک فاکتور برجسته است که اهمیت نسبی قلمرو علمی در کشورهای اروپایی و تحول زمانی قابلیت تولیدات علمی محسوب می‌گردد.

۵- دیدگاه‌ها و نظریه‌ها

۵-۱- رویکرد برون‌گرا

بنیانگذار اصلی رویکرد برون‌گرا در جامعه‌شناسی علم رابرت کی‌مرتون جامعه‌شناس پرآوازه‌ی آمریکایی است. رویکرد برون‌گرا بر نهادی شدن روابط اجتماعی علم و کارکردهای اجتماعی آن در جوامع مختلف و بر ارتباط میان عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با کارکرد نظام علمی متمرکز می‌باشد دانشمندی که در این حوزه یا با این رویکرد کار می‌کنند واقعیت‌های علمی را دستخوش تعیین یا جبریت عوامل ماورای علمی و مشخصاً عوامل اجتماعی می‌دانند (توکل، ۱۳۷۰: ۸۲). یک اصل کلی که این رویکرد مبتنی بر آن می‌باشد این است که عملکرد نهاد علم تابع و وابسته به جهت‌گیریهای خاص نظری و علمی نهادها و نظامهای دیگر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است به نظر بلوم، با قبول فرض مذکور، فهم ابعاد شناختی و اجتماعی علم تحت تأثیر عوامل خارج از علم میسر است و علم مستقل

نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بیرون از خود است. به اعتقاد فورنیر^۱ (Fournier) و ماهو^۲ فعالیت‌های علمی در کشورهای جهان سوم دارای وابستگی مضاعف است: از یک سو تحت تأثیر عوامل فرهنگی و ساختاری جامعه خویش است و از جانب دیگر، متأثر از اولویت‌های علمی و نفوذ کشورهای بزرگ صنعتی است. "اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری" نوشته‌ی جامعه‌شناس معروف آلمانی، ماکس وبر، مبتنی بر قبول فرض برونگرایی است. همچنین نوع عوامل و شاخص‌هایی که مرتن در رساله‌ی دکترای خود، تحت عنوان "علم، تکنولوژی و جامعه در قرن هفدهم انگلستان"، به آنها توجه کرده، تسلط روحیه‌ی برونگرایی در رویکرد او نسبت به علم و تکنولوژی را نشان می‌دهد (شارع پور و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۴). در چهارچوب رویکرد برونگرا، نظریات و صاحب‌نظران مختلفی قرار می‌گیرند که بر تأثیرپذیری علم و فعالیت‌های علمی و پژوهشی از عوامل خارج از علم تأکید می‌کنند.

۵-۱-۱- نظریه مارکسیستی

مارکس و نظریه مارکسیستی از اولین صاحب‌نظران و نظریاتی است که با اصالت قائل شدن برای عوامل مادی و اقتصادی یا زیربنایی در جامعه، تغییرات سایر عناصر به اصطلاح روبنایی از جمله معرفت و علم را تابع تغییر در زیربنای مادی و اقتصادی جامعه می‌داند. نگاه مارکس به موضوع شناخت، دیدگاهی است که آن را به هستی اجتماعی و به طور خاص، به طبقه اجتماعی مرتبط می‌سازد. نگاه جامعه‌شناسانه مارکس به معرفت، دیدگاهی است که آن را به هستی اجتماعی و به طور خاص، به طبقه اجتماعی مرتبط می‌سازد. نگاه جامعه‌شناسانه مارکس به معرفت، در درون چهارچوب کلی تر دیدگاهش قابل تحلیل است و آن چهارچوب زیربنا و روبناست.

روبنای هر جامعه‌ای، مبتنی بر زیربناست. زیربنا شامل نیروهای تولید و روابط تولید است و روبنا، مشتمل بر نهادهای سیاسی، حقوقی و معرفت و آگاهی می‌باشد. بنابراین شناخت و اندیشه، در حوزه زیربنایی جامعه قرار گرفته و متأثر از شرایط زیربنایی جامعه می‌باشد. به نظر مرتن، مارکس روابط تولید را پایه واقعی روبنای اندیشه‌ها می‌داند. به عبارت دیگر، شیوه تولید در زندگی مادی، ویژگی کلی و عمومی فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و فکری را تعیین می‌کند همانطور که گفته شد و مرتن هم تأکید می‌نماید، مارکس برای پیوند ایده‌ها و اندیشه‌های افراد به پایه‌های جامعه‌شناختی آنان، بر ساختار طبقه تأکید می‌ورزد. البته، اندیشه صرفاً به طور مکانیکی در موقعیت طبقاتی اندیشنده قرار نمی‌گیرد. اندیشه به

1-Fournier

2- Mahue

طبقه نسبت داده می‌شود، زیرا متناسب با طبقه ای که، موقعیت اجتماعی با تضادها، آرزوها و فشارهای طبقاتی، در درون زمینه اجتماعی - تاریخی معین مرتبط می‌گردد (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۲).

به نظر کوزر، مارکس سعی می‌کرد افکار را برحسب کارکردهایشان تبیین نموده و اندیشه افراد را به نقش‌های اجتماعی و پایگاه‌های طبقاتی‌شان مرتبط سازد. به عبارت دیگر، مارکس اعتقاد داشت که افکار را باید به اوضاع زندگی و موقعیت تاریخی کسانی مرتبط ساخت که به آن افکار معتقدند. برای مثال، وجود افکار انقلابی در یک عصر خاص، مستلزم وجود یک طبقه انقلابی است هرگاه مردم از افکاری که جامعه را به انقلاب می‌کشاند سخن به میان می‌آورند. در واقع، این واقعیت را بیان می‌نمایند که در چهارچوب جامعه موجود، عناصری از یک جامعه نوین آفریده شده‌اند. و زوال افکار قدیم با زوال شرایط زندگی پیشین، همراه و همگام است (کوزر، ۱۳۸۰: ۸۸).

بنابراین، از نظر مارکس، اندیشه و آگاهی با شرایط اقتصادی - اجتماعی انسان‌ها و موقعیت طبقاتی آنان رابطه دارد. این رابطه به صورت رابطه جبری کامل نیست. بلکه به نظر می‌رسد بنا به واژه‌های متفاوتی که مارکس برای بیان بکار برده است مثل تعیین، تطابق، وابستگی و غیره، اولاً اندیشه و شناخت طبقه اجتماعی مبتنی بر، و متأثر از چهارچوب منابع، الزامات، تکامل هستی اجتماعی و غیره است. ثانیاً، شاید تأثیرگذاری شرایط اجتماعی و اقتصادی بر انواع مختلف معرفت مانند علم، آگاهی طبقاتی، دیدگاه و غیره متفاوت باشد. ثالثاً رابطه کارکردی اندیشه با شرایط اجتماعی، بیانگر آن است که شناخت، پدیده منظمی نیست بلکه می‌تواند با ساختار اقتصادی - اجتماعی تعامل داشته باشد. به نظر کوزر، مارکس و انگلس در برخی آثار خود، حدی از آزادی عمل ذاتی را برای ایده‌ها به رسمیت شناختند و تأکید کردند که صرف نظر از تأملات ساده زیرساخت‌های اقتصادی طبقاتی، خود این ایده‌ها نیز بر این ساختارها تأثیر متقابل دارند. اینطور نیست که، فقط وضعیت اقتصادی علت امور دیگر و یگانه عامل موثر باشد، و امور دیگر صرفاً اثر انفعالی داشته باشند. بلکه بر پایه ضرورت اقتصادی، کنش متقابلی وجود دارد که در تعدیل نهایی، همیشه خود این کنش متقابل مطرح است (کوزر، ۱۳۸۰: ۲۱۴).

۵-۱-۲- نظریه ماکس وبر

ماکس وبر در اثر مشهور خود «اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه داری» با قبول فرض برون‌گرایی، پیدایش و پیشرفت سرمایه داری و همچنین توسعه علوم تجربی در اروپا را متأثر از عوامل مذهبی می‌داند. به نظر او، اصلاح در مذهب مسیح تحت عنوان پروتستانتیسم و اخلاق مذهبی خاصی تحت عنوان پیوریتانیسم، بستر مناسبی را برای توسعه علوم تجربی فراهم کردند. وبر در مطالعات خود به بررسی شیوه

های تبدیل ایده ها به نیروهای موثر در تاریخ علاقمند است. ایده ها از طریق تبدیل به اخلاقیات اجتماعی در تاریخ تأثیر می گذارند.

منظور ویر از اخلاقیات، نظریه اخلاقی و توصیه های موجود در آثار کلامی و مذهبی نیست. علم کلام مذاهب هرچند تحت شرایط معینی، دارای اهمیت می باشند. ولی آنها در وهله اول ابزارهای معرفت و شناخت هستند. منظور از اخلاقیات مذهبی، انگیزه های علمی بر رفتارهاست که در زمینه های روان شناختی - عملی مذاهب و در موقعیت های مشخص تاریخی گسترش می یابند. بنابراین ویر برای مطالعه چگونگی تبدیل ایده ها و اندیشه های مذهبی به نیروهای موثر تاریخی، به جای بررسی عقاید مذهبی، روان شناسی اجتماعی مذاهب جهانی را مورد بررسی قرار می دهد. در چنین تبدیلی، اندیشه های مذهبی با قشر، طبقه، ملت یا گروه اجتماعی معینی در ارتباط قرار می گیرند و از این تقارب اندیشه ها و علائق، یک وضعیت پویا و متحرک با تأثیرات ویژه روان شناختی - اجتماعی حاصل می شود که امکان حضور اندیشه ها را در ساختارهای معنایی عاملین کنش اجتماعی فراهم می سازد. (قانعی راد، ۱۳۷۹: ۱۰۸).

قرار دادن ماکس وبر در پارادایم برونگرایی، به معنی آن نیست که او مانند صاحب نظران دیگر این پارادایم، رابطه علی و عینی و مستقیمی بین اخلاقیات مذهبی توسعه برقرار می سازد. بلکه بدان معنی است که ویر بین علم و فعالیت علمی با یک عنصر خارج از علم رابطه برقرار می سازد. به بیان دیگر، با نگاه مثبت اخلاق مذهبی به علم، هر جا که اخلاق پروتستانی وجود داشته است فعالیت علمی هم به نحو چشمگیری توسعه یافته است. (شارع پور و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۶).

۵-۱-۳- تالکوت پارسونز

پارسونز معتقد است که جایگاه نهاد علم برحسب کارکردی که علم برای نظام اجتماعی ایفا می کند، تعیین می شود. او اذعان می دارد که هر نهاد اجتماعی با وجود کارکردهای متعدد دارای یک برتری کارکردی است یعنی در انجام یک وظیفه و کارکرد خاص تخصص دارد. این امر به معنای استقلال کارکردی نهادهای اجتماعی است اما در عین حال نهادها دارای وابستگی کارکردی نیز می باشند و کارکردهای آنها در تعامل و پیوند با یکدیگر قرار دارند نهاد علم به عنوان یک خرده نظام، هنگامی از سطح استقرا و ثبات و نهادپنگی بالاتری برخوردار است که در عین استقلال و تمایزپذیری ساختاری از سایر نهادهای اجتماعی، دارای ارتباط کارکردی نیز با آنها باشد. پارسونز هر نهاد اجتماعی را مبتنی بر چهار اقتضای کارکردی فرض می کند که حفظ تعادل و وجود مستمر نظام در گرو برآورده شدن این الزامات می باشد:

تطبيق^۱: هر نهاد اجتماعی باید با محیط خود سازگاری پیدا کند و درعین حال بر محیط پیرامونش کنترل داشته باشد.

کسب هدف^۲: هر نظام اجتماعی بایستی برای خود عناصری را به عنوان هدف انتخاب کند و به آنها دست پیدا کند.

انسجام^۳: عناصر مختلف در یک نظام بایستی با یکدیگر پیوستگی و انسجام داشته باشند.

هر نظام اجتماعی مشتمل بر مجموعه ای از واحدها - نقش های کنشگران فردی یا جمعی می باشد که در تعامل با یکدیگر کارکرد نظام اجتماعی را تعیین می کنند. کنش های متقابل این واحدها ممکن است به طور متقابل حمایت گر، یا برعکس، متضاد با یکدیگر باشند. کارکرد انسجام و یکپارچگی، روابط و مناسبات بین واحدها را جهت کارکرد موثر نظام با همدیگر یکپارچه و همبستگی بین آنها را حفظ می نماید.

حفظ الگو^۴: هر نظامی الگوهای فرهنگی رفتار و انگیزش های متناسب با آنها را باید ایجاد و حفظ کند. از نگاه پارسونز، یک نظام اجتماعی همیشه با یک نظام ارزشی نهادین مشخص می شود. حفظ تمامیت این نظام ارزشی و نهادینه شدن آن اولین الزام کارکردی هر نظام اجتماعی است. این فرایند به معنای تثبیت نظام در مقابل فشارهای موجود جهت دگرگونی ارزشی است. گاهی اوقات پیدایش تغییرات فرهنگی در بیرون از نظام فرهنگی مربوط به نظام اجتماعی و یا تنش های انگیزشی ناشی از موقعیت اجتماعی، منابع درون شخصی، ممکن است فشارهایی را برای تغییر ارزش های درون آن نظام اجتماعی ایجاد کند و یا انگیزش فردی جهت سازگاری با انتظارات نقش نهادی را تهدید نماید. تمایل به تثبیت نظام در مواجهه با فشارهایی برای تغییر ارزش های نهادین، از طریق رویه های فرهنگی که کارکرد حفظ الگو نام گرفته است صورت می گیرد.

کارکردهای انطباق و کسب هدف بر وابستگی کارکردی و عوامل محیطی و مناسبت علم با نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تکیه دارد و این درحالی است که، کارکردهای انسجام و حفظ الگو بر استقلال کارکردی و تمایزپذیری در ساختار علم تأکید بیشتری دارند. و این بدان معنا است که نهاد علم از محیط مستقل، بریده و منفصل نیست اما برحسب هنجارها و معقولات خود به پیرامون خویش می اندیشد به معنای دیگر، کارکردهای تطبيق و کسب هدف آمادگی بیشتری را برای همزمانی با موقعیت

1. Adaptation

2. Goal - attainment

3. Integration

4. Latency/pattern Maintenance

اجتماعی با محیط پیرامونی می بخشد و درحالی که دو کارکرد اخیر از درون گرایی بیشتری برخوردارند (محمدزاده، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۵).

همچنانکه گذشت، در این بخش دیدگاه‌ها و نظریات برخی صاحب نظران رویکرد برون‌گرا درباره توسعه علم و انجام فعالیت علمی مطرح شده است. نظریه پردازان این رویکرد بر این باورند که پیشرفت علم و انجام فعالیت علمی و پژوهشی نه معلول ولی اساساً متأثر از شرایط مناسب و مساعد فرهنگی جامعه‌ی خواهان و پشتیبان علم و محصولات نظری و کاربردی علم خواهد بود و اگر هنجارها و ارزش‌های جامعه کل با هنجارها و ارزش‌های اجتماع علمی هماهنگی و همسویی داشته باشد. نهاد علم در جامعه پا می‌گیرد و توسعه می‌یابد، و فعالیت علمی و پژوهشی به میزان حمایت‌هایی که از سوی جامعه کسب می‌کند در جامعه رشد و رونق می‌یابد. بنابراین مطابق این رویکرد، متغیر فعالیت علمی و پژوهشی تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجود در بیرون از حیطه علم است. از طرف دیگر، رویکرد درون‌گرا، گزاره‌های خاص خود را داراست.

۲-۵- رویکرد درون‌گرا یا کلیت‌گرا

در سال‌های ۱۹۶۰ رویکرد دیگری تحت عنوان رویکرد درون‌گرا یا کلیت‌گرا وارد عرصه‌ی مطالعات جامعه‌شناسی علم شد. عنوان درونی یا درون‌گرا به این دلیل است که در این رویکرد، علم مستقل تلقی و به عوامل و متغیرهای درون اجتماع علمی توجه می‌شود، و کلیت‌گرا به معنی آن است که اجتماع علمی را به مثابه‌ی یک کل و سیستم می‌نگرند. " اجتماع علمی " یک مفهوم کلیدی در این رویکرد است که خود به عنوان یک نظام یا به تعبیر بهتر خرده نظام، در مقابل جامعه‌ی کلی، محسوب می‌شود. از این دیدگاه، پیشرفت علم قائم به وجود اجتماع علمی است (صالحی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۱۱). رویکرد درون‌گرا یا نهادی، نگرشی نظام‌دار دارد و بیشتر بر کل نظام علمی تأکید دارد. توجه آن به عواملی در سطح جامعه علمی و نهاد علم است که موجبات توسعه و ایجاد زیربنای علمی در جامعه و برخوردارگی از هویت علمی - تحقیقاتی را فراهم می‌سازد. این رویکرد بر روندهای اجتماعی درون سیستم علمی، اساساً به عنوان کنش‌های متقابل کارکردی کنترل شده متمرکز می‌شود. بنابر اعتقاد جامعه‌شناسان علم، این کنش‌های متقابل از مجموعه هنجارهایی که از نوع اخلاقی (توصیفی - دستوری) هستند، تبعیت می‌کند، که خود این هنجارها نیز برای پیشرفت علم و یا جهت بکار گرفتن روش علمی، دارای کارکرد هستند. (توکل، ۱۳۷۰: ۶۵).

در این رویکرد عوامل بیرون از علم چندان اهمیت ندارد بلکه تأکید بیشتر بر خود نظام و سیستم علمی است. به عبارت دیگر، تعین و جبریت بیرونی علم، محلی از اعراب ندارد و واقعیت‌های علمی متأثر از فضای درون اجتماع علمی هستند که این فضای علمی مشتمل است بر عناصر متعددی از قبیل "دانشمند، کشفیات، کتابها، مجلات علمی، ارتباطات دانشمندان، رقابت‌ها، اعتبارهای مالی، تخصیصها و اولویت‌ها ... " هر اجتماع علمی دارای هنجارهای، اخلاق، قوانین پیشرفت، ملاکهای حقیقت، توجیهات، ردکردنها، پذیرفتنها، ارج‌گذاری‌ها و ملاک‌هایی می‌باشد. برای مثال، دانشمندان معیارهایی برای شناخت دستاوردهای علمی دارند: اینکه به کدام کار علمی فی‌المثل جایزه نوبل داده شود، و یا چه دانشمندی به عنوان صاحب‌نظر یا مرجع علمی انتخاب شود و غیره. همه‌ی مسائل، محکها یا معیارها و ارزش‌های داخل یک فضا به نام اجتماع علمی هستند. (صالحی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۱۱). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که فضای اجتماع علمی دارای دو دسته‌ی کلی عناصر مادی و غیرمادی یا عینی و ذهنی است. عناصر عینی و مادی مانند تعداد دانشمندان، کتاب‌ها، مجلات و میزان اعتبارات مالی و غیره، و عناصر غیرمادی و ذهنی از قبیل هنجارها، ارزش‌ها، اخلاقیات، ملاک‌های حقیقت، پذیرش و ردکردن ادعاها و غیره، که این عناصر، عوامل موثر بر واقعیت‌ها و فعالیت‌های علمی هستند (شارع‌پور و دیگران: ۶۴).

۵-۲-۱- نظریه‌ی دیوید. ب. رزنیک

رزنیک با الهام از مرتون معیارهای ارزشی خاصی را مطرح کرده است و آن‌ها را ابزار موثری برای دستیابی به اهداف علمی می‌داند. هنجارهای رزنیک با الهام از مرتون معیارهای ارزشی خاصی را مطرح کرده است و آن‌ها را ابزار موثری برای دستیابی به اهداف علمی می‌داند. هنجارهای رزنیک بیشتر بر رفتارهای علمی متمرکز و مشخص‌تر بوده و از شمول کمتری برخوردارند. تولید علمی به منزله‌ی نوعی از رفتار علمی در زمره‌ی اهداف علمی قرار می‌گیرد که اصول و استانداردهای رفتاری، به مثابه‌ی راهنماهای رفتار، بر آن حاکم است. فرض رزنیک این است که چنانچه علم خود را با این ایده‌آل‌ها مطابقت دهد، عملکرد بهتری خواهد داشت. به نظر رزنیک با وجود این که تفاوت‌های مهمی بین علوم و رشته‌های مختلف آن وجود دارد، اما آن‌ها از لحاظ اهداف و معیارهای حرفه‌ای مشترک که همان پیشرفت دانش است با هم مشارکت دارند. این ویژگی‌های مشترک پایه و اساس استانداردهای کلی رفتار در همه‌ی علوم را فراهم می‌کند. اصول و استانداردهای موردنظر رزنیک عبارتند از:

- **صداقت**^۱: دانشمندان باید در همه مراحل تحقیق، بدون سوگیری های خاص، داده ها و نتایج را آن طور که هستند صادقانه جلوه دهند. در علم انواع بسیاری از بی صداقتی ها در زمینه ی تولید و تحلیل داده ها وجود دارد. این گونه بی صداقتی ها، به خصوص در هنگام پردازش داده ها، عبارتند از: جعل کردن، تقلب و تغییر و دستکاری در نتایج به دست آمده برای رسیدن به نتایج دلخواه و یا برای تأیید فرضیه های اولیه ی تحقیق، اصل صداقت یکی از اصول بسیار مهم علم است که پیروی نکردن از آن دستیابی به اهداف علم را غیرممکن خواهد کرد، به طوری که هم امکان جست و جوی دانش و هم امکان حل مشکلات در عمل را از بین می برد.

- **دقت**^۲: دانشمندان باید اشتباهات فردی، روشی و تجربی را به حداقل برسانند. دقت، همانند صداقت، وصول به اهداف علم را توسعه می دهد و اجتناب از اشتباه برای توسعه ی دانش مهم است. اشتباهات ممکن است موجب اتلاف منابع، کاهش اعتماد و منجر شدن به نتایج اجتماعی فاجعه آمیز شود.

- **وسعت نظر**^۳: دانشمندان باید به دیگران اجازه ی بررسی مجدد تحقیق خود را داده و پذیرای انتقادات و عقاید جدید باشند، این اصل موجبات توسعه ی دانش را از طریق پیشگیری از گرایشات تعصب آمیز، غیرنقدانه و جانبدارانه فراهم می کند. و همچنین از طریق کمک به ایجاد جوی از همکاران و اعتماد در علم و قادر ساختن دانشمندان برای استفاده ی موثر از منابع مختلف، در توسعه ی علم مشارکت می کند.

- **آزادی**^۴: دانشمندان در رفتار تحقیق خود، انتخاب موضوع و فرضیات پژوهشی، و پیگیری ایده های جدید و نقد ایده های قدیمی باید آزاد باشند. اصل آزادی نقش مهمی در بسط دانش، پرورش خلاقیت علمی و افزایش اعتماد دانش علمی دارد.

- **اعتبار و پاداش**^۵: اعتبار و پاداش شامل تشویق، احترام، حیثیت، پول و جوایز می شود. اعتبار و پاداش از یک سو انگیزش دانشمندان برای تحقیق را افزایش می دهد و از سوی دیگر از طریق تنبیه و سرزنش در کنترل اعمال دانشمندان و تصحیح خطاها و اشتباهات نقش مهمی ایفا می کند.

- **تربیت**^۶: اصل تربیت در علم مهم است زیرا یک حرفه وقتی نتواند به بکارگیری آموزش و تربیت اعضای جدید بپردازد، متوقف خواهد شد. دانشمندان باید دانشمندان آینده را تربیت کنند. همچنین وظیفه

-
1. Honesty
 2. Carefulness
 - 3 Openness
 4. Freedom
 5. Credit
 6. Education

ی حمایت از عموم مردم در دستیابی به درک علمی، برعهده ی ایشان است چرا که علم در فقدان درک عمومی، آسیب می بیند.

- **مسئولیت اجتماعی**^۱: دانشمندان باید تحقیقات ارزشمند و مفید به حال جامعه انجام دهند و در برابر تأثیرات اجتماعی قابل پیش بینی نتایج تحقیق خود مسئولیت دارند؛ آن‌ها وظیفه ی اطلاع رسانی نتایج به عموم مردم، مشارکت در بحث های عمومی، کمک به فراهم ساختن سیاست های علمی را برعهده دارند. مسئولیت اجتماعی از طریق افزایش حمایت های عمومی از علم برای علم سودمند است.

- **قانونمندی**^۲: دانشمندان باید از قوانین مربوط به کارشان پیروی کنند. آن‌ها نیز همانند همه ی مردم وظایف اخلاقی برای اطاعت از قانون دارند و در غیر این صورت علم دچار آسیب می شود. جوانب مختلف تحقیق قوانین مختص به خود را دارد و عدم پیروی از آن‌ها موجب تضعیف حمایت عمومی از علم می شود.

- **فرصت**^۳: دانشمندان فرصت های استفاده از منابع مختلف را باید توسعه دهند و جامعه ی علمی باید خود را به سوی افراد و ایده های جدید باز کند. علم برای غلبه بر سوگیری ها و تعصبات و همچنین دستیابی به دانش عینی، نیاز به آزمون و توجه به فرضیه ها، ایده ها، رهیافت ها و روش های گوناگونی دارد. حقیقت بیشتر از برخورد فرهنگ ها، شخصیت ها و تفکرات متفاوت ظهور می کند تا از وفاق افکار مشابه. اصل فرصت دلالت بر این دارد که سرمایه گذاری علمی باید در وسعت زیاد انجام گیرد، دانشمندان باید افراد مختلف را به کار گیرند و از تبعیض بین همکاران خود به دلیل خصوصیات نژادی، جنسیتی، ملیتی، قومی و سنی خودداری کنند.

- **احترام دو جانبه**^۴: جامعه ی علمی بر پایه ی همکاری و اعتماد ساخته شده است و اگر دانشمندان دانشمندان به یکدیگر احترام نگذارند این بنیاد شکسته خواهد شد و پیگیری اهداف علمی کاهش خواهد یافت.

- **کارایی**^۵: دانشمندان منابع محدود اقتصادی، انسانی و تکنولوژیکی را در اختیار دارند و برای دستیابی به اهدافشان باید به صورت عقلانی از آن‌ها استفاده کنند.

1 . Social Responsibility

2 . Legality

3 . Opportunity

4 . Mutual Respect

5 . Efficiency

- احترام و رعایت حقوق آزمودنی‌ها (تحقیق شوندگان)^۱: دانشمندان باید با موضوعات پژوهش خود، انسان‌ها و حیوان‌ها، ملاحظات خاص رفتار کنند و به اصول اخلاقی پایبند بمانند (قناعی راد و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۰-۱۷۷).

مقایسه رویکرد و روایت دو اندیشمند اجتماعی، یعنی رابرت مرتن و دیوید رزینیک، درباره "آداب و اخلاق در علم - فناوری" متمرکز است، به رغم آنکه، رویکرد آنان از حیث "ترتیب زمان شکل‌گیری" و "مفهوم پردازی علم و ماهیت آن" کاملاً قابل تمییز است. در حالی که مرتن علم را نهاد اجتماعی نظام‌مندی می‌داند که دارای مجموعه‌ی متمایزی از آداب نهادینه شده خاصی است که از حیث اخلاقی، اعمال اقتدار می‌کند، رزینیک علم را به مثابه حرفه‌ای می‌داند که دارای اخلاق حرفه‌ای خاص خود است و رعایت اخلاق حرفه‌ای ضمن آنکه بر کارکرد علم، تاثیر مثبتی دارد، اعتماد اجتماعی نسبت به علم و اصحاب آن را افزایش می‌دهد. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که هر دو متفکر به رغم تفاوتی که در تعریف علم و ماهیت آن دارند، نه فقط اخلاقی بودن یا اقتداء به معیارهای اخلاقی را در شناخت و انجام کار علمی توصیه می‌کنند، بلکه حتی فراتر از آن، اخلاق را برای کارکرد علم و توسعه آن اساسی می‌دانند. یعنی، در حالیکه مرتن رفتار اخلاقی (هنجارها) را ذاتی علم می‌داند و اقتداء به آنها را برای تحقق اهداف نهادی علم مفید می‌داند، رزینیک معیارهای اخلاقی را برای اهداف حرفه‌ای علم ضروری دانسته و رعایت آنها را عین حرفه‌ای‌گری و رمز تداوم اعتماد مردم و حکومت می‌داند. آنها همچنین به نحوی نگرانی خود را از بی‌هنجاری و بی‌اخلاقی در شناخت و انجام کار علمی بیان کرده‌اند. به عقیده آنان در شرایط بی‌هنجاری و بی‌اخلاقی، نهاد یا حرفه‌ی علم و دانشگاه‌ها قادر به تحقق اهداف خود نیستند و با ناکامیهای نهادی و حرفه‌ای بیشتری روبرو می‌شوند. همچنین، در هر دو دیدگاه، اخلاق در علم برای جلوگیری از آنچه اندیشمندان حوزه اخلاق در علم - فناوری از جمله فیلیپ آلتباخ آن را "فساد و فریبکاری عامدانه در علم و دانشگاه" می‌نامد، ضروری است (ودادهیر و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰).

رویکرد درونگرا به عنوان یکی از دیدگاههای نظری در جامعه‌شناسی علم مورد بحث قرار گرفته است. همانطور که بیان گردید مطابق این دیدگاه، فعالیت علمی در درون فضایی تحت عنوان «اجتماع علمی» انجام می‌شود این اجتماع به عنوان خرده نظامی از کل جامعه، خود دارای مؤلفه‌ها و عناصری است که در اثر تعامل بین این اجزا و کنش متقابل دانشمندان و محققان در درون این فضا و مطابق هنجارها و قواعد و اخلاقیاتش، جریان علم به حرکت در می‌آید و دانشمندان به عنوان عاملان کنش، دست به فعالیت علمی و پژوهشی می‌زنند. در این رویکرد فعالیت علمی و پژوهشی وابسته است به دانشمندان در فضای اجتماعی و هنجاری خرده نظام علم، و تاثیر عوامل بیرونی چندان مورد توجه واقع نمی‌گردد. به عبارتی

1. Respect for subjects

دیگر، پیش‌فرض این دیدگاه آن است که اگر حداقل‌های لازم عناصر و اجزا در اجتماع علمی فراهم گردد و دانشمندان مطابق هنجارها و اخلاقیات و قواعد آن عمل نمایند. فعالیت علمی هم جریان می‌یابد و نهاد علم به سمت توسعه و پیشرفت حرکت می‌کند.

۶- تعاریف نظری مفاهیم

۱- تعاریف مفهومی، عبارات یا کلماتی هستند که واژه یا اصطلاحی گنگ و وسیعی را تشریح می‌نمایند. تعاریف مفهومی باید دو صفت داشته باشند: الف) مفهوم باید با کلمات دیگری به جز خود آن مفهوم تعریف شود. ب) تعریف مثبت بر تعریف منفی رجحان دارد (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۹۰).

۲- در فرضیه‌ها از دو مفهوم اصلی استفاده شده است کیفیت زندگی که دارای چهار بعد (سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیطی) می‌باشد از دیگر مفاهیم به کار گرفته شده در این پژوهش بهره‌وری علمی می‌باشد.

۳- کیفیت زندگی به برداشت شخصی یک فرد از موقعیت زندگی‌اش با توجه به فرهنگ و نظام ارزشی جامعه‌اش و نیز رابطه آن با اهداف، انتظارات، استانداردها و احتیاجاتش گفته می‌شود. تعاریف ابعاد کیفیت زندگی به شرح ذیل می‌باشد.

۴- سلامت جسمی: نشان‌دهنده عمل کردن کامل بدن است که سلامت زیست‌شناختی را به عنوان حالت بهینه عملکرد اندام بدن و با هماهنگی کامل با بقیه اعضا در نظر می‌گیرد که شامل؛ فعالیت‌های روزمره زندگی، وابستگی به مواد دارویی و کمک‌های پزشکی، قدرت و خستگی، تحرک، درد و ناراحتی، خواب و استراحت می‌باشد.

۵- سلامت روانی: حالت توازن بین شخص و دنیای اطراف او و سازگاری شخص با خود و دیگران و همزیستی بین واقعیت‌های خود و واقعیت‌های محیط زیست است که شامل؛ تصویر از خود و ظاهر بدنی، احساسات مثبت و منفی، اعتماد به نفس، اعتقادات روحی، مذهبی، شخصی، تفکر، یادگیری، حافظه و تمرکز.

۶- ارتباطات اجتماعی: سطوح مهارت‌های اجتماعی، عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود به عنوان عضوی از جامعه بزرگ‌تر است و بر شرایط اقتصادی و اجتماعی، رفاه و تمامیت شخص در رابطه با شبکه اجتماعی توجه می‌شود که این همان سلامت اجتماعی فرد در جامعه است که شامل؛ ارتباطات شخصی، حمایت اجتماعی، فعالیت جنسی.

۷- سلامت محیطی: سلامت محیط عبارتست از کنترل عواملی از محیط زندگی (بهداشت، علوم پزشکی، ژنتیک، سروصدا، ازدحام و شلوغی) که به گونه‌ای روی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارند که شامل؛ منابع مادی و مالی، آزادی، ایمنی، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی اجتماعی (در دسترس بودن و کیفیت درمانی)، فرصت‌های دسترسی به اطلاعات و مهارت‌های جدید، مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت و تفریح، محیط فیزیکی (آلودگی، سرو صدا، ترافیک و آب و هوا)، حمل و نقل، مسافرت و محیط خانه.

۸- بهره‌وری علمی: به مجموعه‌ای از پژوهش‌های علمی اطلاق می‌شود که محور افزایش بهره‌وری علمی است. و بهره‌وری در برگیرنده کارایی و اثربخشی عملکرد است. که در محیط‌های دانشگاهی افزایش پژوهش‌های علمی شاخص بهره‌وری علمی محسوب می‌شود.

۷- تعریف عملیاتی مفاهیم

مفهوم‌سازی کاری بیشتر از تعریف ساده یا قراردادی واژگان حتی یک علم است. این کار، ساختن مفهوم انتزاعی برای فهمیدن امر واقعی است. مفهوم‌سازی خواه علمی، خواه مفهوم دستگاهی، باید به تفکیک و تشخیص ابعاد، مولفه و شاخص‌ها همراه باشد. اما باید دانست که همه مفاهیم، ترکیبی گسترده ندارند اما برخی از مفاهیم ممکن است فقط یک بعد و یک مولفه یا تک شاخص داشته باشند یا اینکه بعدی نداشته و تنها شاخص داشته باشند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

جدول شماره ۱: ابعاد، مولفه‌ها و سؤالات مربوط به عملیاتی‌سازی مفهوم کیفیت زندگی

مفهوم	ابعاد	مولفه‌ها
کیفیت زندگی	سلامت جسمانی	درد جسمانی، درمان‌های طبی، انرژی، خواب، تحرک، فعالیت روزمره، کار
	سلامت روانی	احساس خوب، زندگی معنی‌دار، تمرکز، شکل ظاهری بدن، احساس بد، رضایت از خود
	رابطه اجتماعی	روابط شخصی مناسب، حمایت‌های عاطفی دوستان، روابط جنسی
	سلامت محیط	احساس امنیت، محل زندگی، بنیه مالی، خدمات بهداشتی و درمانی، اطلاعات روزمره، محیط، وضعیت رفت و آمد، تفریح

جدول شماره ۲: مفاهیم و مشخصات مربوط به بهره‌وری علمی

مفهوم	مشخصات
بهره‌وری علمی	مقاله علمی - پژوهشی، مقاله علمی - مروری، مقاله علمی - ترویجی، مقاله علمی کامل، خلاصه مقاله علمی، اختراع، اثر بدیع، گزارش علمی، ارزیابی و نظارت، تالیف، تجدید چاپ کتاب، ویرایش علمی، مقاله کامل داخلی، چکیده مقاله داخلی، مقاله کامل خارجی، چکیده مقاله خارجی، طرح پژوهشی خاتمه یافته، طرح پژوهشی جاری، راهنمایی پایان نامه ارشد، مشاوره پایان نامه ارشد، راهنمایی پایان نامه دکتری، مشاوره پایان نامه دکتری

۸- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع بررسی (Survey) یا پیمایش است این پیمایش بصورت توصیفی - همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران که به صورت تمام وقت مشغول فعالیت های علمی باشند است این اعضاء در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ به ۲۵۶ نفر می رسد. با توجه به عدم دسترسی به کلیه اعضای هیأت علمی، در صورت انجام نمونه گیری بر روی این جامعه آماری، از میزان نمونه آماری کاسته می شود و تعمیم دادن نتایج این پژوهش به کلیه جامعه آماری از لحاظ علمی درست نمی باشد، به همین جهت سعی شده است عمل تمام شماری بر روی این جامعه آماری صورت گیرد تا تعداد نمونه برای تحقیق کم نباشد و قابل تعمیم باشد. حجم نمونه تحقیق حاضر، همان جامعه آماری کل می باشد که تعداد آن ۲۵۶ نفر می باشد. بدین معنی که در پژوهش حاضر، روش نمونه گیری به صورت تمام شماری می باشد. اما با توجه به اینکه تعدادی از پاسخگویان حاضر به پاسخگویی نبودند، در نهایت حجم نمونه این پژوهش به ۱۰۰ نفر رسیده است.

۹- اعتبار و روایی ابزار سنجش

در این تحقیق برای ارزیابی اعتبار سنجه ها از روش اعتبار سازه استفاده شده است در این شیوه، ارزیابی سنجه بر حسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت می گیرد. جهت سنجش اعتبار از آنجا که هماهنگی درون بین آیتم ها و ضریب آلفای کرونباخ که بر پایه آن قرار دارد از عمومی ترین شیوه های بررسی پایایی ابزارهای سنجش است، برای سنجش روایی مقیاس های مورد استفاده در این تحقیق نیز از آلفای کرونباخ که مبتنی بر ماتریس همبستگی گویه ای است و ضریب روایی کل طیف را مشخص می کند، استفاده شده است. برای رفع نقایص و ابهامات پرسشنامه، از روش پیش آزمون (pretest) استفاده شد. در این پیش آزمون ۱۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه مورد نظر به طور تصادفی به سوالات پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل یافته‌های پیش‌آزمون بعضی نواقص را

در پرسشنامه آشکار ساخت که بالطبع این نواقص برطرف شدند و بدین ترتیب پرسشنامه نهایی شد. تحلیل روایی گویه‌های موجود بر اساس پایداری درونی و با استفاده از تحلیل روایی "آلفای کرونباخ" صورت گرفته است. این ضریب بین صفر و یک متغیر بوده و کمیت صفر، مبین عدم روایی و یک، مبین روایی کامل سؤالات می‌باشد. تعریف ریاضی و آماری این ضریب به این قرار است:

$$a = \frac{N\bar{\xi}}{1 + \bar{\xi}(N-1)}$$

N: تعداد سؤالات:

$\bar{\xi}$: میانگین همبستگی بین سؤالات

α : ضریب روایی کرونباخ آلفا

در جدول شماره ۳-۵- میزان آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق در پیش‌آزمون گزارش شده است:

جدول شماره ۳: ضریب روایی برای گویه‌های مربوط به ابعاد کیفیت زندگی

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
میزان کیفیت زندگی	۲۶	۰.۸۸
بعد سلامت جسمانی	۷	۰.۷۳
بعد سلامت روانی	۶	۰.۷۵
بعد روابط اجتماعی	۳	۰.۷۳
بعد سلامت محیط	۸	۰.۸۲

جدول مزبور نشان می‌دهد که ضریب روایی برای گویه‌های همه متغیرها بیش از ۰.۸۶ بدست آمده است که نشان می‌دهد که گویه‌های مربوطه بیش از ۸۶ درصد متغیر مزبور را می‌سنجد که میزان روایی قابل قبولی می‌باشد. در واقع نتایج این آزمون نشان می‌دهد ابزار طراحی شده برای سنجش متغیرهای تحقیق مناسب است.

۱-۱۰- نتایج و یافته‌های تحقیق

۱-۱۰-۱- توصیف متغیرهای فردی

تعداد کل افراد نمونه تحقیق ۱۰۰ نفر بوده است. که از این تعداد ۲۰ درصد را زنان و ۸۰ درصد آنان را مردان تشکیل می‌دهند. در خصوص وضعیت استخدامی؛ ۲۳ درصد پیمانی، ۲۷ درصد رسمی-آزمایشی و ۵۰ درصد رسمی-قطعی بوده‌اند. در مورد مرتبه علمی؛ ۵ درصد مربی، ۷۰ درصد استادیار، ۱۹ درصد دانشیار، ۶ درصد استاد بوده‌اند. در نهایت بر اساس نوع دانشکده؛ ۱۰ درصد پاسخگویان از دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۵ درصد تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۳ درصد حقوق و علوم سیاسی،

۹ درصد شیمی، ۶ درصد علوم اقتصادی و اداری، ۴۲ درصد علوم انسانی و اجتماعی، ۱۵ درصد علوم پایه و ۱۰ درصد دانشکده علوم ریاضی بوده‌اند.

۲-۱۰- بررسی استنباطی

جدول شماره ۴: جدول بررسی متفاوت بودن میزان کیفیت زندگی اعضای هیئت علمی دانشگاه مازندران بر حسب دانشکده

سطح معی داری	مقدار	میانگین استاندارد-معیاری	انحراف استاندارد	میانگین	نمونه	گروه	میزان کیفیت زندگی
۰/۲۹۳	۱/۲۳۳	۰/۰۹۳۵۷	۰/۳۸۰۷۱	۳/۲۶۹۸	۹	الهیات	سلامت جسمانی
		۰/۱۳۹۹۷	۰/۳۱۲۹۸	۳/۲۰۰۰	۵	تربیت بدنی	
		۰/۲۱۸۲۲	۰/۳۷۷۹۶	۳/۷۱۳۳	۳	علوم سیاسی	
		۰/۱۲۹۹۳	۰/۳۸۹۷۸	۳/۱۱۱۱	۹	شیمی	
		۰/۰۶۳۸۹	۰/۱۵۶۲۹	۳/۲۲۸۶	۶	علوم اقتصادی	
		۰/۰۸۸۷۴	۰/۵۷۵۱۱	۳/۱۱۵۶	۴۲	علوم انسانی	
		۰/۰۹۶۸۹	۰/۳۶۲۵۲	۳/۳۰۶۱	۱۳	علوم پایه	
۰/۲۷۵۴۱	۰/۸۷۰۹۲	۲/۹۲۸۶	۱۰	علوم ریاضی			
۰/۷۶۴	۰/۵۸۹	۰/۱۳۳۳۳	۰/۴۲۱۶۴	۲/۹۶۶۷	۱۰	الهیات	سلامت روانی
		۰/۳۳۷۹۳	۰/۵۸۵۳۱	۳/۱۱۱۱	۲	تربیت بدنی	
		۰/۲۰۰۳۱	۰/۳۴۶۹۴	۲/۹۲۲۴	۳	علوم سیاسی	
		۰/۱۴۴۳۴	۰/۴۰۸۲۵	۳/۱۶۶۷	۸	شیمی	
		۰/۲۱۳۹۵	۰/۵۲۱۲۲	۲/۶۹۲۲	۶	علوم اقتصادی	
		۰/۱۰۴۵۵	۰/۶۷۷۵۶	۲/۸۱۷۵	۴۲	علوم انسانی	
		۰/۱۳۸۲۸	۰/۴۹۹۲۹	۲/۹۷۴۴	۱۳	علوم پایه	
۰/۱۵۳۵۶	۰/۲۸۵۵۹	۲/۹۳۳۳	۱۰	علوم ریاضی			
۰/۳۲۴	۱/۲۸۲	۰/۲۲۶۰۸	۰/۵۰۵۵۳	۳/۸۶۶۷	۵	الهیات	روابط اجتماعی
		۰/۲۹۰۵۹	۰/۴۹۹۷۹	۴/۲۰۰۰	۵	تربیت بدنی	
		۰/۱۶۶۶۷	۰/۲۳۵۷۰	۳/۸۳۳۳	۲	علوم سیاسی	
		۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	۳/۶۶۶۷	۷	شیمی	
		۰/۱۶۳۳۰	۰/۴۶۵۱۵	۳/۶۰۰۰	۵	علوم اقتصادی	
۰/۰۳۸۰	۰/۰۳۸۰	۰/۰۳۸۰	۰/۶۳۹۸۷	۳/۷۱۰۵	۳۸	علوم انسانی	سلامت محیط
		۰/۰۳۹۴۰	۰/۱۵۲۵۸	۴/۰۲۲۲	۱۵	علوم پایه	
		۰/۰۵۸۵۶	۰/۱۷۵۶۸	۳/۸۵۱۹	۹	علوم ریاضی	
۰/۰۷۱	۱/۹۵۰	۰/۱۷۰۳۵	۰/۳۸۱۸۱	۴/۸۱۲۵	۸	الهیات	سلامت محیط
		۰/۲۳۱۸۴	۰/۵۱۸۴۱	۲/۲۷۵۰	۵	تربیت بدنی	
		۰/۱۸۱۶۲	۰/۳۱۲۵۸	۲/۷۰۸۳	۳	علوم سیاسی	
		۰/۰۵۷۵۶	۰/۱۶۲۸۱	۲/۲۹۶۹	۸	شیمی	
		۰/۲۶۵۶۶	۰/۶۵۰۷۲	۲/۸۱۲۵	۶	علوم اقتصادی	
		۰/۰۷۵۶۰	۰/۴۸۴۰۴	۲/۶۴۶۳	۴۱	علوم انسانی	
		۰/۱۴۰۹۳	۰/۵۲۵۸۲	۲/۴۹۱۷	۱۵	علوم پایه	
		۰/۰۹۹۲۹	۰/۲۱۲۲۰	۲/۹۸۷۵	۱۰	علوم ریاضی	
۰/۰۹۱۲	۰/۳۷۹	۰/۰۸۲۷۰	۰/۱۸۴۹۲	۳/۱۰۴۱	۵	الهیات	کل
		۰/۲۸۸۹۵	۰/۵۰۰۴۷	۳/۲۳۶۷	۳	تربیت بدنی	
		۰/۰۹۹۷۰	۰/۱۶۱۰۰	۳/۳۷۳۵	۲	علوم سیاسی	
		۰/۰۶۴۰۰	۰/۱۶۹۳۲	۳/۱۱۴۶	۷	شیمی	
		۰/۱۶۷۸۰	۰/۳۷۵۲۲	۳/۰۸۷۵	۵	علوم اقتصادی	
		۰/۰۷۸۵۷	۰/۴۷۷۹۵	۳/۰۶۰۵	۳۷	علوم انسانی	
		۰/۰۹۵۵۴	۰/۳۳۰۹۷	۳/۲۱۹۰	۱۲	علوم پایه	
		۰/۰۹۳۳۹	۰/۳۸۰۱۶	۳/۰۸۵۲	۹	علوم ریاضی	

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که بین سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی، سلامت محیط پاسخگویان بر حسب دانشکده تفاوت معنی داری وجود ندارد. یعنی هر هشت گروه از این حیث تقریباً وضعیت یکسانی دارند.

جدول شماره ۵: جدول بررسی متفاوت بودن میزان کیفیت زندگی اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران بر حسب مرتبه

علمی

سطح معنی-داری	مقدار F	خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	گروه	میزان کیفیت زندگی
۰/۰۶۴	۲/۵۰۰	۰.۳۳۱۹۷	۰.۷۴۲۳۱	۳.۱۴۲۹	۵	مریی	سلامت جسمانی
		۰.۰۶۰۱۳	۰.۴۹۹۵۰	۳.۰۹۵۲	۶۹	استادیار	
		۰.۱۱۷۱۵	۰.۴۹۷۰۲	۳.۴۱۲۷	۱۸	دانشیار	
		۰.۲۴۰۹۴	۰.۵۹۰۱۷	۳.۴۷۶۲	۶	استاد	
۰/۰۰۰	۸/۲۴۶	۰.۱۴۳۳۷	۰.۳۲۰۵۹	۲.۸۰۰۰	۵	مریی	سلامت روانی
		۰.۰۶۳۲۴	۰.۵۱۷۶۸	۲.۷۵۱۲	۶۷	استادیار	
		۰.۱۳۰۹۸	۰.۵۴۰۰۶	۳.۳۳۳۳	۱۷	دانشیار	
		۰.۱۹۵۶۳	۰.۴۷۹۲۰	۳.۴۴۴۴	۶	استاد	
۰/۰۱۶	۳/۶۲۰	۰.۱۳۳۳۳	۰.۲۹۸۱۴	۳.۸۰۰۰	۵	مریی	روابط اجتماعی
		۰.۰۶۷۹۳	۰.۵۳۴۸۵	۳.۷۲۵۸	۶۲	استادیار	
		۰.۰۶۳۹۷	۰.۲۴۷۷۴	۴.۱۷۷۸	۱۵	دانشیار	
		۰.۰۸۳۳۳	۰.۱۶۶۶۷	۳.۷۵۰۰	۴	استاد	
۰/۳۳۵	۱/۱۴۵	۰.۱۰۷۵۳	۰.۲۴۰۴۴	۲.۷۲۵۰	۵	مریی	سلامت محیط
		۰.۰۶۴۲۲	۰.۵۲۵۶۶	۲.۵۹۱۴	۶۷	استادیار	
		۰.۰۸۵۸۳	۰.۳۶۴۱۵	۲.۸۲۶۴	۱۸	دانشیار	
		۰.۱۹۴۷۷	۰.۴۷۷۰۸	۲.۶۴۵۸	۶	استاد	
۰/۰۰۰	۶/۷۵۲	۰.۱۰۹۹۲	۰.۲۴۵۸۰	۳.۱۱۷۰	۵	مریی	کل
		۰.۰۵۰۹۵	۰.۳۸۸۰۳	۳.۰۱۳۳	۵۸	استادیار	
		۰.۰۵۷۸۵	۰.۲۰۸۵۷	۳.۴۸۵۵	۱۳	دانشیار	
		۰.۰۴۷۳۴	۰.۰۹۴۶۸	۳.۲۸۵۳	۴	استاد	

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که بین کیفیت زندگی پاسخگویان بر حسب مرتبه علمی تفاوت معنی داری وجود دارد. یعنی هر چهار گروه از کیفیت زندگی متفاوت برخوردارند.

بین سلامت جسمانی پاسخگویان در سطوح مختلف مرتبه علمی تفاوت معنی داری وجود ندارد. یعنی هر چهار گروه از سلامت جسمانی تقریباً یکسانی برخوردارند.

بین سلامت روانی پاسخگویان بر حسب مرتبه علمی تفاوت معنی داری وجود دارد. یعنی هر چهار گروه از سلامت روانی متفاوت برخوردارند.

بین روابط اجتماعی پاسخگویان بر حسب مرتبه علمی تفاوت معنی داری وجود دارد. یعنی هر چهار گروه از روابط اجتماعی متفاوت برخوردارند.

بین سلامت محیط پاسخگویان بر حسب مرتبه علمی تفاوت معنی داری وجود ندارد. یعنی هر چهار گروه از سلامت محیط تقریباً یکسانی برخوردارند.

جدول شماره ۶: جدول بررسی متفاوت بودن میزان بهره‌وری علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه مازندران بر حسب وضعیت استخدامی، دانشکده و مرتبه علمی

متغیر	گروه	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار F	سطح معنی داری
وضعیت استخدامی	پیمانی	۲۳	۰.۶۵۴۳۰	۰.۵۵۳۶۹	۰.۱۱۵۴۵	۲.۸۴	۰.۰۶۳
	رسمی-آزمایشی	۲۷	۰.۸۱۱۱	۰.۹۰۵۴۷	۰.۱۷۴۲۶		
	رسمی-قطعی	۵۰	۱.۲۴۲۰	۱.۳۱۸۲۹	۰.۱۸۶۴۳		
دانشکده	الهیات و معارف اسلامی	۱۰	۰.۳۲۵	۰.۱۵۶۷۹۰	۰.۰۴۹۵۸	۳.۰۱۹	۰.۰۰۷
	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۵	۱.۶۳۰۰	۱.۳۰۴۶۱	۰.۵۸۳۴۴		
	حقوق و علوم سیاسی	۳	۰.۲	۰.۲۲۹۱۳	۰.۱۳۲۲۹		
	شیمی	۹	۲.۰۹۴۴	۲.۴۰۳۹۶	۰.۸۰۱۳۲		
	علوم اقتصادی و اداری	۶	۰.۹۲۵	۰.۶۲۵۹۰۰	۰.۲۵۵۵۲		
	علوم انسانی و اجتماعی	۴۲	۰.۸۰۲۴	۰.۶۰۸۶۷۰	۰.۰۹۳۹۲		
	علوم پایه	۱۵	۱.۰۰۶۷	۰.۶۸۵۷۹۰	۰.۱۷۷۰۷		
علوم ریاضی	۱۰	۱.۳۸۵۰	۱.۵۰۴۰۸	۰.۴۷۵۶۳			
مرتبه علمی	مربی	۵	۰.۱۴۰۰	۰.۱۱۴۰۲	۰.۰۵۰۹۹	۳.۷۱	۰.۰۱۴
	استادیار	۷۰	۰.۸۵۵۰۰	۰.۸۴۹۹۰۰	۰.۱۰۱۵۸		
	دانشیار	۱۹	۱.۵۴۲۱	۱.۷۵۶۲۰	۰.۴۰۲۹۰		
	استاد	۶	۱.۵۳۳۳	۰.۶۳۰۶۱	۰.۲۵۷۴۴		

- یافته های جدول فوق نشان می دهد که بین بهره وری علمی پاسخگویان بر حسب وضعیت استخدامی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

بین بهره وری علمی پاسخگویان بر حسب دانشکده تفاوت معنی داری وجود دارد. طوریکه میزان بهره وری علمی در دانشکده شیمی بیشتر از سایر دانشکده بوده است. همچنین دانشکده های تربیت بدنی و علوم ورزشی، علوم ریاضی و علوم پایه به ترتیب بیشتر از دانشکده های دیگر است.

بین بهره وری علمی پاسخگویان بر حسب مرتبه علمی تفاوت معنی داری وجود دارد. بطوریکه میزان بهره وری در گروه دانشیار و استاد بیشتر از مرتبه های استادیار و مربی است.

جدول شماره ۷: جدول ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد کیفیت زندگی و بهره وری علمی

متغیرها	میزان همبستگی	سطح معنی داری
سلامت جسمانی	-۰/۰۵۹	۰/۵۶۶
سلامت روانی	*۰/۲۳۸	۰/۰۲۰
روابط اجتماعی	۰/۱۲۷	۰/۲۴۶
سلامت محیط	۰/۱۶۱	۰/۱۱۷
کیفیت زندگی	*۰/۲۲۶	۰/۰۴۳

ضرایب همبستگی میان ابعاد کیفیت زندگی با بهره وری علمی در جدول شماره ۷ آمده است. با توجه به داده های جدول مذکور می توان گفت که:

۱. رابطه بین سلامت جسمانی و بهره وری علمی منفی و بسیار ضعیف است تا حدی که معنادار نمی باشد. چون سطح معناداری مشاهده شده بالاتر از ۰/۰۵ است. لذا فرضیه وجود رابطه بین سلامت جسمانی و بهره وری علمی رد می شود.

۲. رابطه بین سلامت روانی و بهره وری علمی مثبت و معنادار است. و تا ۹۸ درصد اطمینان می توان اظهار کرد که بین این دو متغیر رابطه مثبتی برقرار است. شدت رابطه نیز متوسط قوی می باشد. لذا فرضیه وجود رابطه بین سلامت روانی و بهره وری علمی مورد تایید قرار می گیرد.

۳. رابطه بین روابط اجتماعی و بهره وری علمی مثبت و بسیار ضعیف است تا حدی که معنادار نمی باشد. چون سطح معناداری مشاهده شده بالاتر از ۰/۰۵ است. لذا فرضیه وجود رابطه بین روابط اجتماعی و بهره وری علمی رد می شود.

۴. رابطه بین سلامت محیط و بهره وری علمی مثبت و بسیار ضعیف است به گونه ای که معنادار نمی باشد. چون سطح معناداری مشاهده شده بالاتر از ۰/۰۵ است. لذا فرضیه وجود رابطه بین سلامت محیط و بهره وری علمی رد می شود.

۵. مقایسه ضرایب همبستگی بین بهره‌وری علمی با ابعاد مختلف کیفیت زندگی حاکی از آن است که تنها رابطه بین بهره‌وری علمی با سلامت روانی معنادار می‌باشد. در سایر موارد روابط موجود معنادار نمی‌باشد.

۶. در مجموع رابطه بین کیفیت زندگی و بهره‌وری علمی مثبت و معنادار است. و تا ۹۵ درصد اطمینان می‌توان اظهار کرد که بین این دو متغیر رابطه مثبتی برقرار است. شدت رابطه نیز متوسط می‌باشد. لذا فرضیه وجود رابطه بین کیفیت زندگی و بهره‌وری علمی مورد تایید قرار می‌گیرد.

۱۱- پیشنهادات پژوهشی

در پایان تحقیق، به بیان پیشنهادات پژوهشی جهت بهبود روند تحقیقات بعدی و صراحت و گویایی بیشتر در موضوعات مشابه می‌پردازیم.

- امروزه در دانشگاهها نقش اعضای هیأت علمی برجسته است. از آنجا که اعضای هیأت علمی از منابع اصلی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی هستند و وظیفه آنان انتقال دانش و تولید دانش نو برای جامعه است، لزوم توجه به محیط کاری آنان یکی از وظایف مسؤلان مراکز آموزش عالی است. با وجود اهمیت نقش اعضای هیأت علمی در پیشبرد اهداف دانشگاهها، در کشور ما پژوهش کافی در مورد آن صورت نگرفته است و سئوالات متعددی مطرح است که نیاز به تحقیق بیشتری دارد.

اقدامات مربوط به بهسازی کیفیت زندگی کاری شامل، تامین امکانات رفاهی، طرح‌های تشویقی، امنیت شغلی (غنی سازی و توسعه شغل)، اهمیت به نقش و جایگاه اعضای هیأت علمی در مراکز آموزش عالی و فراهم نمودن زمینه پیشرفت و رشد علمی و حرفه‌ای آنان است که تصور می‌شود در عملکرد اعضای هیأت علمی موثر باشد.

- تشویق دانشجویان مقاطع بالای تحصیلی به پژوهش و تحقیق در خصوص اعضای هیأت علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بویژه در مورد بهره‌وری علمی آنان در شاخصه‌های کمی و کیفی استاندارد.

- ایجاد پایگاههای مختلف و معتبر اینترنتی و آشنانمودن اصحاب علم و تحقیق با مفهوم بهره‌وری علمی در فضای مجازی کشور.

- تقویت سرمایه اجتماعی اعضای هیأت علمی

- تقویت جنبه‌های روانی کیفیت زندگی اعضای هیأت علمی

- افزایش انرژی عاطفی و شور و شوق علمی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاهها.

فهرست منابع

۱. اکملی، ماکوان، (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر میزان همکاری علمی اعضای هیات علمی دانشگاه (مطالعه موردی دانشگاه کردستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران.
۲. توکل، محمد، (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی علم، تهران، نشر موسسه علمی- فرهنگی ((نص)).
۳. جانعلیزاده چوب بستی، حیدر؛ اکملی، ماکوان. (۱۳۸۷) عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان همکاری اعضای هیات علمی (مطالعه موردی دانشگاه کردستان)، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ش ۲،
۴. دهقان نیری، ناهید؛ صالحی، تهمنه؛ اسدی نوقابی، احمد علی، (۱۳۸۸) کیفیت زندگی کاری و بهره‌وری پرستاران بالین و ارتباط آنها با یکدیگر، پژوهش پرستاری، دوره ۳، شماره های ۸ و ۹.
۵. رازقی، نادر، (۱۳۷۵)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های پژوهشی (بررسی موردی فعالیت های پژوهشی اساتید رشته جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی دانشگاه های تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۶. رحیمی، حمید؛ رجایی پور، سعید؛ سلیمی؛ قربانعلی، (۱۳۸۵) میزان کیفیت زندگی کاری اعضای هیات علمی دانشگاه های دولتی شهر اصفهان، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۲.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، روش تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. شارع پور، محمود؛ خوشفر، غلامرضا؛ صالحی، صادق؛ ابراهیمی، قربانعلی، (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر فعالیت علمی- پژوهشی اعضاء هیات علمی (مطالعه موردی دانشگاه های منطقه شمال)، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهشی.
۹. صالحی، صادق؛ ابراهیمی، قربانعلی، (۱۳۷۸) بررسی عوامل مؤثر بر فعالیت پژوهشی اعضای هیات علمی (مورد مطالعه دانشگاه مازندران)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴.
۱۰. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۰)، هم پژوهی و هم‌نویسی در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، صفحه ۱۳۲-۸۹.
۱۱. قانعی راد، محمد امین، (۱۳۸۵)، تعاملات دانشجویان، انگیزش و کنشگری رشته ای؛ فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۰.
۱۲. قانعی راد، محمد امین؛ قاضی پور، فریده، (۱۳۸۷) عوامل هنجاری و سازمانی مؤثر بر میزان بهره‌وری اعضای هیات علمی، فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۴.

۱۳. کوزر، لوئیس. (۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
۱۴. کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان، (۱۳۸۱)، روش تحقیق در علوم اجتماعی (ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر) تهران، نشر توتیا.
۱۵. محمدزاده، لیلا، (۱۳۸۷)، بررسی میزان پایداری مدیران به هنجارهای علم و رابطه آن با میزان تولیدات علمی در دانشگاه، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. مزینانی، علی. (۱۳۸۰)، بررسی وضعیت مصرف و تولید اطلاعات علمی از جانب اعضای هیأت علمی - آموزشی کشور، فصلنامه رهیافت، ش ۲۵.
۱۷. میر کمالی، سید محمد و نارنجی ثانی، فاطمه، (۱۳۸۷) بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۸.
۱۸. نورشاهی، نسرین؛ سمیعی، حسین، (۱۳۹۰) بررسی کیفیت زندگی کاری اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۹، صفحه ۱۱۴ - ۹۱.
۱۹. ودادهیر، ابوعلی؛ فرهود، داریوش؛ قاضی طباطبایی، محمود؛ توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۸) معیارهای رفتار اخلاقی در انجام کار علمی (تأملی بر جامعه‌شناسی اخلاق در علم - فناوری مرتن و رزنیک)، فصلنامه اخلاق در علوم رفتاری، شماره‌های ۳ و ۴.
۲۰. یاور، یوسف؛ امیرتاش، علی محمد؛ تندنویس، فریدون، (۱۳۸۷) مقایسه کیفیت زندگی کاری و خرده‌مقیاس‌های آن در بین اعضای هیأت علمی دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی و تربیت بدنی دانشگاه‌های دولتی، نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال هفتم، جلد اول، شماره ۱۲.

21. Bangkoedphol; P. (2007). "Relationships between personal factors; quality of working life and Job performance of professional nurses in private hospitals" ; A Thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of nursing management; Mahidol university.

22. Salmeida, J.A . Pais ,A.A.C.C. Formosinho, S.J. (2009). Science indicators and science patterns in Europe. *Journal of informetrics*. 134-142.